



دادر و فای

زندگی آنادیگاهما





# داؤ د فایی

## نرگی آنارکیکاها



انتشارات مولی

سروشناهه : گورر، دلار، ۱۹۶۵ - م

Gürer, Diläver

عنوان و نام پدیدآور : عبدالقادر گیلانی، زندگی، آثار، دیدگاهها / دلار گورر؛ مترجم، داود و فایی.

مشخصات نشر : تهران: مولی، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری : ۴۲۹ ص، ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م

شابک : 978-600-339-128-4

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

داده داشت : عنوان اصلی: Abdulkadir Geylani : Hayati, Eserleri, Görüşleri, 2013.

موضوع : عبدالقادر گیلانی، عبدالقادر بن ابی صالح، ۴۲۱-۴۵۱ق.

Abd al-Qadir al-Jilani, Abd al-Qadir Ibn Abi Saleh :

موضوع : عارفان -- ایران -- قرن ۵ق.

Mystics -- Iran -- 11th century :

شناسه افزوده : فایی، داود، ۱۳۴۹ - مترجم

ردی بندی کنگره : BP ۲۹۲۸۴

ردی بندی دیوبین : ۲۹۷/۹۱۹

شماره کتابشناسی ملی : ۷۲۹۲۸۱۴

Abdulkadir Geylani / Hayati, Eserleri, Görüşleri  
Dilaver Gürer



امارات مولی

تهران: خیابان انقلاب- چهارراه ابوریحان- شماره ۱۵۸، تلفن: ۰۹۲۴۳-۶۶۴۰۰۷۹

وب سایت: www.molapub.com • molapub@ yahoo.com • molapub • molapub.com • اینستاگرام: molapub • تلگرام: molapub • ایمیل:

عبدالقادر گیلانی / زندگی، آثار، دیدگاهها

دلار گورر • ترجمه: داود و فایی • ویراستار: مهناز رئیس‌زاده

چاپ اول: ۱۳۹۹ = ۱۴۴۲ • ۵۲۰ نسخه • ۳۲۷/۱

شابک: 978-600-339-128-4 ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۹-۱۲۸-۴

طرح جلد: استاد حمید عجمی • حروفچینی: دریجه کتاب • چاپ: ایران مصور • صحافی: نوری

کلیه حقوق مربوط به این اثر محفوظ و متعلق به انتشارات مولی است



امارات مولی

۱۳۴۰۵۰۰۶

## فهرست مطالب

نه  
یازده

سخن مترجم  
پیشگفتار

### ۱. ارزیابی منابع (۲۱-۱)

منابع مرتبط با عبدالقادر گیلانی  
منابع مرتبط با قادریه

### ۲. مقدمات (۳۸-۲۳)

تصوف تا زمان عبدالقادر گیلانی  
تصوف در زمان عبدالقادر گیلانی  
دوران زیست عبدالقادر گیلانی

### ۳. حیات عبدالقادر (۱۱۷-۳۹)

زادگاه، دوران کودکی

تحصیل علم

انتساب عبدالقادر به تصوف

مجالس

ازدواج و فرزندان

وفات

خانقه و مدرسه عبدالقادر

تلامیذ

خلفیه‌ها

آراء و عقاید

القب

مناقب و کرامات

نظر عبدالقادر درباره منصور حلاج

۱  
۱۹

۲۲  
۳۱  
۳۳

۳۹  
۴۸  
۵۳  
۶۰  
۶۳  
۶۷  
۷۱  
۷۶  
۷۷  
۸۵  
۸۸  
۹۳  
۱۰۶

## شش / عبدالقادر گیلانی، زندگانی، آثار و دیدگاه‌ها

۱۰۸	نظر صوفیان درباره عبدالقادر گیلانی
۱۱۲	نظر صوفیان درباره طریقت عبدالقادر
۱۱۴	بازتاب آثار عبدالقادر در آثار ابن عربی
۴. آثار عبدالقادر گیلانی (۱۶۰-۱۱۸)	
۱۱۸	آثار موجود
۱۳۵	آثار نایاب
۱۳۷	آثار منسوب
۱۴۲	مناقب‌نامه‌ها
۱۴۹	مناقب‌های نایاب
۱۵۴	پژوهش‌ها
۵. دیدگاه‌های عرفانی عبدالقادر گیلانی (۱۷۲-۱۶۱)	
۱۶۱	مقدمه
۱۶۲	تصوف، متصوف، صوفی
۱۷۰	تصوف و طریقت
۶. اصطلاحات عرفانی (۳۱۱-۱۷۳)	
۱۷۳	اصطلاحات تخلق
۲۳۱	اصطلاحات سیروسلوک
۲۷۷	اصطلاحات تحقق
۲۸۶	اصطلاحات معرفتی
۷. قادریه (۳۳۵-۳۱۲)	
۳۱۲	گسترش طریقت
۸. شاخه‌های قادریه (۳۷۵-۳۳۶)	
۹. اصول، آداب و ارکان قادریه (۳۹۱-۳۷۶)	
۳۷۷	مبانی عام
۳۷۷	بیان طریقت

## فهرست مطالب / هفت

۳۷۸	احکام طریقت
۳۸۰	ذکر
۳۸۴	مراقبه
۳۸۴	خلوت
۳۸۶	اسماء و مقامات
۳۸۹	مراتب
۳۹۰	پوشش و جامه
۳۹۲	سخن پایانی
۳۹۵	کتابشناسی
۴۰۹	فهرست‌ها



## سخن مترجم

عبدالقادر گیلانی از مقاومین ایران و جهان اسلام است. او در سال ۴۷۰ هجری قمری در گلستان به دنیا آمد و در ۵۶۱ در بغداد از دنیا رفت. این عربی چهره‌ی تابناک عرفان اسلامی متوفی ۶۲۸ تقریباً با عبدالقادر هم‌عصر بود. او در فتوحات بارها از عبدالقادر گیلانی و ابوالسعود از مریدان مشهور او به بزرگی یاد می‌کند. طریقت قادریه منسوب به عبدالقادر گیلانی از جریان‌های صوفیانه‌ی فراگیر در جهان اسلام بشمار می‌رود. قادریه با تمام شاخه‌هایی که دارد، آموزه‌های عرفانی عبدالقادر معروف به غوث اعظم را در سیر و سلوک سرمشق خود قرار می‌دهد. این طریقت امروزه در مناطق متعددی از جهان اسلام به عنوان جریانی تأثیرگذار حضور دارد و پیروان بی شماری را گرداندیشه‌های شیخ جمع کرده است.

کتاب حاضر توسط یکی از اندیشمندان مسلمان کشور ترکیه به رشته تحریر درآمده است. آقای دلاور گورر عضو هیئت علمی دانشگاه سلجوق قونیه و مدیر گروه تصوف این دانشگاه، برای تهیه کتابی جامع درباره‌ی عبدالقادر گیلانی تلاش فراوانی کرده است. جمع آوری و ارائه مشخصات تمام منابع مرتبط با عبدالقادر و طریقت او، همچنین تهیه فهرستی از آثار شیخ و مناقب‌نامه‌هایی که پیرامون شخصیت فکری او نگاشته شده از ویژگی‌های این کتاب است. به طوری که خواننده علاوه بر اطلاع از منابع متعددی که درباره عبدالقادر در کتابخانه‌های مختلف نگهداری می‌شود، پیرامون زندگانی و اندیشه‌های عارفانه‌ی او نیز آگاهی‌های کافی به دست می‌آورد.

مترجم در برگردان اثر، نهایت دقیق را صرف کرده است تا محتوای کتاب عیناً و بی‌کم وکاست به فارسی منتقل شود؛ با این حال ذکر دو نکته را لازم می‌داند.

اول آنکه دو واژه "عرفان" و "تصوف" در این ترجمه مترادف و هم معنا به کار رفته است. حقیقت هم همین است که در مجموع عارف و صوفی یا عرفان و تصوف معنای واحدی دارند؛ هرچند که می‌توان تفاوت‌های ظریفی را در این میان جستجو کرد و به تعبیر مرتضی مطهری مثلاً عرفان را مختص جوانب نظری و تصوف را خاص جنبه‌های عملی این مکتب دانست. اما با این حال می‌توان در بسیاری موارد هریک از دو واژه را به جای هم نشاند. فراموش نمی‌کنم سال‌ها پیش کتابی ترجمه کردم که کلمه "تصوف" در آن به وفور به کار رفته بود و بخشی از نام کتاب را هم تشکیل می‌داد. دوستان حساسیت نشان دادند و مترجم و ناشر را مجبور کردند تمام "تصوف"‌ها را به "عرفان" تبدیل کند!

مطلوب دیگر این که در کتاب حاضر از آثار، اشخاص و مناطق جغرافیایی متعددی نام برده می‌شود و این از ویژگی‌ها و امتیازات کار نویسنده است. مترجم به رغم تلاش در ضبط درست و دقیق نام‌ها معترض است که احتمال خطأ همچنان وجود دارد. لذا از خواننده‌ی هوشمند و فرهیخته انتظار می‌رود مواردی را که لازم می‌داند از طریق ناشر گوشتزد کند.

الحمد لله أولاً و آخرة ظاهراً وباطناً

داود وفایی

پاییز ۹۸

## پیشگفتار

اگر به چیزی که در زبان خودمان "عرفان" می‌نامیم و معادل آن درالسنّه غربی "میستیزم" خوانده می‌شود، از زاویه‌ای گسترده بنگریم و آن را "اندیشه و تلاش انسان برای یافتن آفریننده خود" تعریف کنیم قبول خواهیم کرد که چنین نظر و تکاپویی در همه ادیان و حتی فرهنگ‌ها وجود دارد. حقیقت این است که انسان در همه اعصار و در متن هر فرهنگ و تمدنی، به این نداکه فطری و درونی است گوش فرا داده و هیچ‌گاه از جستجو برای یافتن خالق خویش و آشنا شدن با راه‌های جلب رضایت او غافل نشده و در طول تاریخ، به مدد وحی، یا استعدادهای بشری خود، نهایت تلاش را مصروف داشته است تا راه‌های منتهی به پروردگار را بیابد.

طبعی است که اسلام هم به عنوان آخرین صورت "دین‌الله" نمی‌توانست این جنبه از مسایل روحی و معنوی انسان را نادیده بگیرد؛ کما این‌که به قدر وافی نیز به آن پرداخته است. با غور در ژرفای اسلام مشاهده می‌کنیم که جهت ایمانی مؤمنان این دین با "عقاید"، جهت عبادی آن با "فقه" و سمت و سوی روحی - معنوی آن با "عرفان" تجهیز و آراسته شده است.

عرفان که به عنوان شاخه‌ای از علم، به طور کامل ریشه در قرآن کریم و سنت نیکوی رسول الله صلی اللہ علیہ وآلہ دارد، همچون علوم اسلامی دیگر به تدریج مدون شد و گسترش یافت؛ در دامان آن شیوخ بزرگی بالیدند؛ و اشار مختلفی از دولتمردان، تا مردم عادی کوچه و بازار تحت تاثیر آن قرار گرفتند. عرفان از قرن ششم / دوازدهم نهادینه شد و با طریقت‌ها و آیین خود در دنیای مادی و معنوی

مسلمانان جایگاه ویژه‌ای یافت.

صحبت از طریقت و پیر که می‌شود، عبدالقدارگیلانی و طریقت قادریه از نخستین نام‌هایی است که به ذهن خطور می‌کند. به سخن دیگر عبدالقدارگیلانی و قادریه از عناصر اصلی تاریخ علمی و فرهنگی و حیات اجتماعی امروز ما مردم ترکیه به شمار می‌روند. با این حال متأسفانه جز چند پژوهش از جمله مقاله‌ی مارگولیوس<sup>۱</sup> ذیل مدخل قادریه و مقاله‌ی دیگری از مستشرق نامبرده ذیل مدخل "عبدالقدار جیلی"<sup>۲</sup> و مقاله سلیمان اولوداغ ذیل عنوان "عبدالقدار گیلانی"<sup>۳</sup> و مقاله ادhem جبجی اوغلو به نام "عبدالقدارگیلانی" در کتاب "دوستان خدا از عهد صحابه تا کنون"<sup>۴</sup> پژوهش جدی‌ای در ترکیه وجود نداشته است. کارهای غیرآکادمیک در این ارتباط نیز دور از قواعد علمی و با احساسات حماسی نوشته شده‌اند. لذا مطالب موجود به هیچ وجه پاسخگوی نیاز محافل دانشگاهی و غیر دانشگاهی نیست.

مهترین دلیل پرداختن صاحب این قلم به موضوع قادریه همین مطلب بود. نکته دیگری که باید خاطرنشان کنیم وجود کارهای دانشگاهی کم‌حجم در زمینه‌های مشابه است که ما را برآن داشت مرزهای تحقیق را فراخ بداریم. امید است کارهایی که پس از این درخصوص عبدالقدارگیلانی و قادریه انجام می‌شود از عمق بیشتری برخوردار باشد.

کتاب حاضر شامل سه بخش اصلی است. در بخش ارزیابی منابع، پیرامون منابع و مأخذی که در کتاب مورد استفاده قرار گرفته توضیح داده شده است. در بخش اول، تاریخ مختصر عرفان بیان می‌شود با نگاهی به دوران حیات عبدالقدار گیلانی. آنگاه به بررسی زندگانی، آثار، کتاب‌های منسوب به او، مناقب‌نامه‌های مرتبط و پژوهش‌های اخیر پرداخته‌ایم. در بخش دوم با استفاده

۱. دیوید ساموئل مارگولیوس، شرق‌شناس و استاد دانشگاه آکسفورد (۱۸۵۸ - ۱۹۴۰ م). دانشنامه اسلام، استانبول ۱۹۹۳ ج چشم، صص ۵۰-۵۴
۲. دانشنامه اسلام، استانبول، ۱۹۵۰ ج اول، صص ۸۰-۸۳
۳. دانشنامه اسلام سازمان دیانت، استانبول ۱۹۸۸، صص ۲۳۴-۲۳۹
۴. استانبول ۱۹۹۵ ج هفتم، صص ۵۹-۵۳

از آثار عبدالقدیر گیلانی، دیدگاه‌های عرفانی او طرح شده است. موضوع بخش سوم " قادریه " است، که نحوه گسترش این طریقت، شاخه‌ها، اصول، آداب و ارکان آن بیان می‌شود.

در اثنای تحقیق هرگاه نیاز به ترجمه‌ی آیات قرآن بود، خود را مقید به استفاده از ترجمه‌ای خاص نکردیم و از ترجمه‌های مختلف بهره بردیم و حتی المقدور خود اقدام به ترجمه نمودیم. نیز با ذکر نام سوره و شماره‌ی آیه، جای آیات را مشخص کردیم. منبع احادیث با استفاده از منابع و مأخذ موثق روشن شده است. درباره مواردی که در کتب تسعه نبود توضیحات کافی داده‌ایم. در املای کلمات کوشیده‌ایم تلفظ رایج در زبان امروز را به کار بریم و واژه‌هایی را که از فارسی و عربی وارد زبان ما شده‌اند به همان صورتی ضبط کنیم که امروز به کار می‌روند. البته در ذکر نام اشخاص یا کتاب‌هایی که اصل شان فارسی یا عربی است نحوه تلفظ در همان زبان‌ها را اصل قرار دادیم.

در باره ذکر منابع در زیرنویس‌ها، به اعلام نام آثاری که تحقیق و پژوهش محسوب نمی‌شوند اما در فرهنگ ما به عنوان منبعی کلاسیک از آن‌ها نام برده می‌شود، اکتفا کرده‌ایم. در این موارد نام مؤلف را ننوشته‌ایم. (به استثنای اولین باری که از آن نام برده می‌شود). چنین آثاری در تاریخ فرهنگی ما با نام اثر شناخته می‌شوند و فرد با شنیدن نام کتاب به راحتی نام مؤلف را به یاد می‌آورد. به نظر می‌رسد این کار بهتر از آن است که نام و لقب و کنیه مؤلف را بنویسیم و در ادامه قید کنیم " همان منبع ".

سپاسگزاری از استادم پروفسور مصطفی طاهرالی را بر خود فرض می‌دانم؛ در طول کار هرگاه با مشکلی مواجه می‌شدم از اندیشه و یاری‌های ارزشمند ایشان بربخوردار بوده‌ام.

دلاور گور

۲۵ می ۱۹۹۷

قوییه



## ارزیابی منابع

### منابع مرتبط با عبدالقدار گیلانی

#### ۱- آثار شیخ<sup>۱</sup>

الف) الفتح الربانی والقیض الرحمنی<sup>۲</sup>، اثری تأثیفی و در برگیرنده مباحث جدی علمی است. دیدگاه‌های دینی و عرفانی عبدالقدار گیلانی را منعکس می‌کند و از این نظر اثر بسیار مهمی است. روشن نیست کتاب به کوشش چه کسی به زیور طبع آراسته شده است. در آغاز سه صفحه به معرفی مؤلف اختصاص داده شده است.

ب) الفتح الربانی والقیض الرحمنی<sup>۳</sup>، محمد سالم البواب، پژوهشگری که کتاب به همت او منتشر شده صفحه آغازین را به تقدیم و توضیحات خود اختصاص داده است. در انتهای کتاب مطالبی درباره مرگ عبدالقدار گیلانی است که مشخص نیست این توضیحات از طرف چه کسی و در چه زمانی نگاشته شده است.

ج) جلاء الخاطر من کلام الشیخ عبدالقدار فی الظاهر و الباطن<sup>۴</sup>، نسخه‌ی موجود جلاء الخاطر توسط شخصی به نام محمد عاقل البخاری استنساخ شده و پایان کار یکم

۱. درباره آثار عبدالقدار گیلانی در بخش آثار همین تحقیق مطالب مفصلی بیان می‌شود. در اینجا به ذکر نسخه‌هایی که مورد استفاده قرار گرفته‌اند اکتفا کردیم.

۲. دمشق، بی‌تا، شامل ج ۱ و ۲، ج اول ۱۹۲ ص و ج دوم ۲۰۰ ص.

۳. دمشق، بی‌تا، ۳۶۷ ص.

۴. دانشگاه استانبول، کتابخانه مرکزی، بخش عربی، شماره ۲۳۲۵.

ربيع الاول ۱۳۰۰ است. ۹۷ صفحه دارد. کتابت آن بسیار زیبا و خوانا با کاغذ محکم و باکیفیت است.

۱) فتوح الغیب<sup>۱</sup>، ۵۷ صفحه به کتاب علاوه شده است: ۹ صفحه پایانی به درگذشت عبدالقادرگیلانی و شجره نامه اش اختصاص دارد. ۵ صفحه شامل "عقیده" او، ۲۸ صفحه "قصیده عینیه"، ۳ صفحه "رساله غوثیه" و ۲۱ صفحه چند شعر منسوب به او.

سه کتاب اخیر شامل موعظه ها، خطبه ها و سخنانی است که توسط مریدان و فرزندان عبدالقادر جمع آوری شده، که محتوای همه آنها موضوعات عرفانی است. لذا مخصوصاً "الفتح الریانی" با حجم زیادش مستندات ارزشمندی در اختیار می گذارد. ما برای رسیدن به دیدگاه های عبدالقادر از این آثار بهره برده ایم. از بخش های انتهایی "فتح الریانی" و "فتح النیب" برای اطلاع از زندگانی او استفاده کرده ایم.

## ۲. مناقب نامه ها

در بررسی مناقب نامه ها درباره عبدالقادرگیلانی ابتدا با حجم گسترده ای از مطالب روبرو شدیم. با انتخاب سودمندترین ها تعداد اندکی باقی ماند. اساساً تعدادی از مناقب نامه های دوران گذشته در دسترس نبود؛ و آثار نوشته شده در دوره های اخیر یا تکراری بود و یا خلاصه ای از مناقب نامه های پیشین. ارزش و اهمیت مناقب نامه های با اهمیت درباره عبدالقادرگیلانی در ارائه دیدگاه های عرفانی و نحوه زندگانی او کمتر از آثار خود او نیست. مناقب نامه هایی که در تحقیق حاضر از آنها بهره برده ایم عبارتند از:

الف/ بهجه الاسر ار و معدن الانوار فی مناقب السادة الاخيار من المشايخ الابرار، الشیخ نور الدین ابوالحسن علی بن یوسف بن جریر اللحمی الشسطنوفی الشافعی (ابن جهزام) (۱۶۴۴-۷۱۳).  
۱۲۴۷-۱۳۱۴).

۱. مصر، ۱۳۰۴ هـ، در حاشیة بهجه الاسرار، ۱۶۷ صفحه.

۲. مصر ۱۳۰۴ هـ، ۲۳۸ صفحه.

شطوفی مناقب نقل شده درباره عبدالقادر گیلانی و صوفیان هم‌عصرش را به واسطه ذکر سلسله، جمع‌آوری کرده و به صورت کتاب فوق درآورده است. این کتاب اولین مناقب‌نامه در دسترس است. غالب مطالب کتاب درباره عبدالقادر است و گویی حول این عبارت او نگاشته شده که "پای برگره همه اولیای خدا دارم." شطوفی به این می‌پردازد که آیا عبدالقادر چنین چیزی گفته یا نه؛ و مشاجرات مرتبط با آن را بیان می‌کند. او زندگینامه شیخ خود و دیدگاه‌های عرفانی و نظر صوفیان دیگر درباره عبدالقادر را نگاشته است. بهجه‌الاسرار، این مشهورترین مناقب‌نامه، که بسیاری از افکار و کردار و کرامات عبدالقادر را بیان می‌کند به میزان آثار او دارای اهمیت است. کاتب چلبی (وفات: ۱۶۵۷/۱۰۶۷ تاریخ تحریر آن را ۱۲۶۲/۶۶۰ می‌داند.<sup>۱</sup>

شطوفی، روایات مربوط به اوضاع پیش از بیان عبارت فوق، زمان بیان آن، و شرایط پس از آن را بیان می‌کند و در میانه‌ی روایات، به مناقب شیخ می‌پردازد و دیدگاه‌های عرفانی و دینی او را از آثار گیلانی نقل می‌کند، و سپس به بیان زندگینامه‌اش می‌پردازد. در آخرین بخش کتاب نظر چند تن از صوفیان را درباره عبدالقادر بیان می‌کند و به شرح سرگذشت آن‌ها نیز می‌پردازد.

در اثنای تحقیق حاضر دریافتیم که این اثر علاوه بر مناقب‌نامه‌های دیگر برای کتاب‌هایی چون طبقات الاولیاء، نفحات‌الانس، و الطبقات‌الکبری نیز نقش مرجع و مأخذ را داشته است. در منابع مختلف گفته شده که بهجه‌الاسرار سه جلد است. اما نسخه مورد استفاده ما تک جلدی بود. نسخه‌های خطی و دستنویس در کتابخانه‌های استانبول هم تک جلدی بودند.<sup>۲</sup>

ب) مناقب القطب الربانی و فرد الصمدانی سیدنا و مولانا محبی‌الدین، عبدالقادر الگیلانی<sup>۳</sup> الامام قطب الدین موسی بن محمد الیونینی (۱۲۴۲-۱۳۲۶/۶۴۰-۷۷۶). او در نگارش این

۱. کاتب چلبی ( حاجی خلیفه)، کشف الظنون عن اسماء الكتب والفنون، استانبول ۱۹۷۱، ج ۲۵۶/۱.

۲. مطالب مربوط به متون چاپی و نسخه‌های خطی بهجه‌الاسرار، در بخش "مناقب‌نامه‌ها" خواهد آمد.

۳. دارالكتب المصريه، تاریخ حلیم، شماره ۱۲؛ شماره میکروفیلم ۵۴۶۷۳، صفحه ۱۰۹.

اثر، بهجهة الاسرار را سرمشق قرار داده است. وقایع خبری روایت می شود و سلسله دردو سه نفر به اتمام می رسد.

ج) الصبح السافر عن شمائل الشیخ عبدالقادر<sup>۱</sup>، القاضی عبدالرحمن بن عیسیٰ بن داودالقادری السنجاري.

دنیس گریل فرانسوی، پژوهشگر عرصه عرفان در مقاله ارزشمندی در معرفی نسخ خطی دارالكتب المصريه قاهره، توضیح می دهد که مؤلف اثر مذکور، معاصر عفیف الدین یافعی (وفات: ۱۳۶۸/۷۶۸) و از شیوه بهجهة الاسرار پیروری کرده. او در کتاب خود وقایع را براساس سلسله بیان نمی کند و غالباً می گوید "از فلان کس روایت شده، که ..." او مطالبش را براساس مختصر النشر المحسن یافعی و منابع مطمئن دیگر نقل می کند.<sup>۲</sup> مناقب نامه سنجری مانند بهجهة الاسرار علاوه بر عبدالقادر گیلانی به شرح حال صوفیان آن دوره نیز می پردازد و از این جهت منبع بالهمیتی است.

د) در الجواهر فی مناقب سیدی عبدالقادر<sup>۳</sup> سراج الدین ابو حفص عمر بن علی المصری (بن الملقين) (وفات: ۱۴۰۱-۸۰۴). این اثر چکیده بهجهة الاسرار و از کتاب هایی است که بر تقه بودن بهجهة الاسرار اشاره دارد و از این نظر که متعلق به مؤلف طبقات الصوفیه است نیز اهمیت ویژه ای دارد؛ از خصوصیات دیگر این اثر اعرابگذاری برخی اسمی است.

۵) نزهۃ النظر فی ترجمہ الشیخ عبدالقادر<sup>۴</sup>، ابو طاہر مجدد الدین محمد بن یعقوب فیروزآبادی (وفات: ۱۴۱۲/۸۱۷)، نسخه خطی این اثر با عنوان "احوال محیی الدین - مناقب

۱. دارالكتب المصريه، بیتا، شماره ۱۸۵۰، شماره میکروفیلم ۳۵۴۸۹، ۱۲۸ صفحه.

2. Gril, Denis, "Sources Manuscrites De L'Histoire Du Soufisme A Daral-kutub" Annales Islamologiques, Kahire 1994. xxvIII,124.

۳. السنجاري، عبدالرحمن، الصبح السافر عن شمائل الشیخ عبدالقادر، قاهره، دارالكتب المصريه، شماره ۱۸۵۰، شماره میکروفیلم ۳۵۴۸۹، ۲۸ صفحه.

۴. کتابخانه سلیمانیه، عبدالله افندي، شماره ۱۷۱، ۳۲ صفحه.

۵. کتابخانه سلیمانیه، ایاصوفیا، شماره ۲۱۰۵، ۸۶ صفحه.

محبی الدین عبدالقادر الجیلانی<sup>۱</sup> در حالی که نام نویسنده بر آن نبود مشاهده شد. اهلوارت نام اثر را نزهه‌الناظر ضبط کرده است.<sup>۲</sup> اسماعیل پاشای بغدادی نیز از اثربن نام روضه‌الناظر ... متعلق به فیروزآبادی صحبت می‌کند.<sup>۳</sup>

اهلوارت عنوان مطالب و شماره صفحه‌های نسخه مورد بحث اش را بیان می‌دارد. ما نسخه موجود در کتابخانه سلیمانیه را با نسخه مورد نظر اهلوارت مطابقت دادیم. ترتیب موضوعات، عناوین و کلمه‌های به کار رفته در عنایون، مشابه‌اند. تنها تفاوت موجود بین دو نسخه، تعداد صفحات است. صفحات نسخه مورد نظر اهلوارت بیشتر از نسخه‌ای است که ما مشاهده کردیم. البته تفاوت بودن تعداد صفحات نسخه‌های خطی امر متناولی است. یکی از مهمترین دلایلی که موجب می‌شود دو اثر یاد شده را عین هم بدانیم کلمات آغازین کتاب در مقدمه است که اهلوارت در معرفی اثر نقل می‌کند (حمدله، صلوات، و اما بعد) و دقیقاً با کلمات آغازین نسخه موجود در کتابخانه سلیمانیه مطابقت دارد. ما بر این اساس، نسخه موجود در کتابخانه سلیمانیه را همان نزهه‌الناظر از تألیفات فیروزآبادی دانسته‌ایم.

به گفته‌ی اهلوارت، "نزهه‌الناظر" با مینا قراردادن بهجة‌الاسرار نوشته شده و در واقع خلاصه آن است. لیکن در ترتیب و ارائه مطالب، تفاوت‌های اساسی دارند. اثر، با زندگینامه عبدالقادر گیلانی آغاز می‌شود و به ترتیب درباره تحصیلات علمی، ورود به عرصه عرفان، سلسله طریقت و برخی دیدگاه‌های صوفیانه او و نظر چند صوفی درباره‌اش ادامه می‌یابد.

<sup>۱</sup> غبطة‌الناظر فی ترجمة الشیخ عبدالقادر، ابن حجر عسقلانی (۸۵۲-۷۷۳/۱۴۴۸-۱۳۷۱)

۱. Ahlwardt,Wilhelm, Verzeichnis Der Arabischen Handschriften, NewYork 1981, IX/474.

۲. اسماعیل پاشای بغدادی، ایضاح المکونون فی الذیل علی کشف الظنون، استانبول ۱۹۷۲، چاپ دوم، ج اول ۹۳۳ ج دوم ۱۸۴۴.

۳. محمد سالم البواب السفینه القادری، در بخش آغازین ج ۱، ۲۸ صفحه.

۴. با آنکه شاکر محمود هم این مناقب‌نامه را از تألیفات ابن حجر دانسته (نک: عبد‌المنعم، شاکر محمود، ابن حجر عسقلانی و دراسه مصنفاته و منهجه و موارده فی کتابه‌الاصابه، بغداد،

مؤلف در بسیاری از شاخه‌های دانش اسلامی آثار ارزشمندی دارد اما بیشتر با حضورش در عرصه حدیث شناخته می‌شود. او در این مناقب‌نامه‌ی مختص، زندگینامه و مناقب عبدالقادرگیلانی را بیان می‌دارد و از برخی مورخان و نیز از بهجه‌الاسرار مطالعی نیز نقل می‌کند. در مقدمه می‌گوید بهشت هشت در دارد و به همین دلیل کتاب ما نیز دارای هشت باب است.

۱) الروض الزاهر فی ترجمة الشیخ عبدالقادر<sup>۱</sup>، برهان الدین ابوالوفا ابراهیم بن علی بن احمد بن پرید الشافعی القادری الدیری (۸۱۶-۸۷۵/۱۴۱۳-۱۴۲۳). در صفحه نخست کتاب چلبی کتاب را به شهاب الدین احمد بن محمد کاستالانی (۹۲۳-۸۵۲/۱۴۴۸-۱۵۱۷) نسبت داده است. اما در صفحه بعد این عبارت را می‌بینیم: "جمعه الفقیر ابراهیم ..." واقعیت این است که کاتب چلبی معتقد است امام کاستالانی اثری به نام "الروض الزاهر فی مناقب الشیخ عبدالقادر" دارد.<sup>۲</sup> ما متأسفانه درنیافتیم که دو اثر مذکور، کتابی واحدند یا نه.

الروض الزاهر مناقب‌نامه مسائل عرفانی را از بهجه‌الاسرار و نشر المحاسن عفیف‌الدین یافعی نقل می‌کند؛ نکته قابل تأمل، اقتباس‌های فراوان مؤلف از کتاب‌های تاریخی و آثار مرتبط با طبقات است.

۲) قلائد الجوادر فی مناقب الشیخ عبدالقادر<sup>۳</sup>، الشیخ شمس الدین ابوالبرکات محمد بن یحیی السادفی وفات: ۹۶۳/۱۵۵۶. ترتیب مطالب این کتاب تقریباً مانند نزهه‌الناظر است اما با محتوایی محققانه‌تر. تادفی بی تردید پیش از تأثیف اثر خود همه مناقب‌نامه‌های مربوط به عبدالقادر را بررسی کرده بود. او مطالب خود را غالباً از کتاب‌های تاریخ و طبقات نقل می‌کند و به این ترتیب کتاب قلائد ارزشی تاریخی می‌یابد. مؤلف باکسانی که از سلاله عبدالقادر بوده و در آن دوره

۱) بی‌تا، ۵۷۰-۵۶۸؛ الیان سرکیس معتقد است این اثر به اشتباه به ابن حجر نسبت داده شده است (سرکیس، یوسف الیان، معجم مطبوعات العربیه والمعربیه، مصر ۱۹۲۶، ج ۱، ص ۸۰).

۲) قاهره، دارالکتب المصريه، تاریخ طلعت، شماره ۱۹۶۹، شماره میکروفیلم ۱۳۴۹۷، صفحه ۹۱۹.

۳) مصر ۱۳۰۳ هـ، ۱۷۸ صفحه.

در حماء، حلب، قاهره و بغداد می‌زیسته‌اند دیدار نموده و درباره آن‌ها مطالبی آورده است. او در واقع پیرامون قادریه توضیح می‌دهد و به این ترتیب نخستین منبع موثق درخصوص گسترش قادریه است.

تادفی درباره آن دسته از احفاد عبدالقدیر که در حماء زندگی می‌کرده‌اند رساله‌ای به نام شمسه المفاخر نوشته و آن را ضمیمه‌ی قلائد الجواهر کرد.<sup>۱</sup> نعیم اردوغان نیز آن را به ترکی ترجمه کرد.<sup>۲</sup>

دو مناقب‌نامه اخیر نسبت به دو مورد پیشین منظم‌ترند، اما روایات را براساس سلسله نقل می‌کنند.

کتاب‌های مذکور در تعیین نحوه زندگانی عبدالقدیر گیلانی مهمترین منابع در تحقیق حاضر بوده‌اند. در نگاه اول این نکته جلب توجه می‌کند که آثار فوق مدت‌ها پس از حیات عبدالقدیر نوشته شده‌اند و همین امر ما را به سوی کتاب‌های تاریخ و طبقات سوق داد. در آغاز سعی کردیم مطالب مربوط به عبدالقدیر را از کتاب‌های تاریخ و طبقات به دست آوریم. آن‌چه را که در آن‌ها نیافتنی در مناقب‌نامه‌ها جستجو کردیم. نکته قابل ذکر دیگر این که حوادث در بیجه‌الاسرار براساس سلسله نقل می‌شود. این، اعتماد و اطمینان به اثر مذکور را دوچندان کرد. سلسله روایت، گاه به دو نفر محدود می‌شود و این از نظر اعتماد به متن، به نظر ما بی‌نهایت مهم است.

### ۳. کتاب‌های تاریخ و طبقات

کتاب‌های تاریخ و طبقات خلاصه‌ای از اطلاعات اصلی درباره اشخاص ارائه می‌دهند. مؤلفان این قبیل آثار معمولاً از محیط‌های علمی و بیرونی هستند و به همین جهت آن‌چه می‌نویسنند عینی است و مورد اعتماد. سرنخ‌های اولیه درباره شخصیت‌های تاریخی را غالباً در همین کتاب‌ها باید جستجو کرد. منابع ما در این بخش عبارت بوده‌اند از:

الف) انساب<sup>۳</sup>، عبدالکریم بن محمد السمعانی (وفات: ۵۶۲/۱۱۶۷). سمعانی یک سال

.۲. گردنبندهایی از گوهر، استانبول ۱۹۷۲.

.۱. همان، ج ۲، ص ۵۶.

.۳. مجلدات ۱ تا ۵، بیروت ۱۹۸۸.

پس از عبدالقادرگیلانی از دنیا رفت. او درباره اشخاص، متناسب با اصل و نسب شان اطلاعات می‌دهد، درباره عبدالقادر به بیان زادگاهش گیلان اکتفا می‌کند. اثر از سوی عبدالله‌عمرالبارودی منتشر شده است. با توجه به این که منابع دیگر، مطالب‌شان را به نقل از او بیان کرده‌اند<sup>۱</sup>، به این نتیجه می‌رسیم که مطالب سمعانی در کتاب دیگری به نام *ذیل‌التأریخ بغداد*<sup>۲</sup> آمده است نه در انساب.

ب) المنتظم فی تاریخ الامم والسلوک<sup>۳</sup> عبدالرحمن ابوالفرج بن علی بن جوزی (*بن‌الجوزی*) (وفات: ۱۲۰۰/۵۹۷) تحقیق و پژوهش این اثر توسط محمد عبدالقادیر عطا و مصطفی عبدالقادیر عطا انجام یافته و نعیم‌زرزور آن را ویراستاری کرده است. حوادث و وقایع در این کتاب، گاهشمارانه نقل شده و درباره کسانی که تا پایان سال از دنیا رفته‌اند مطالبی درج گردیده است. ناشر البته در زیرنویس منابع دیگری درباره اشخاص معرفی کرده است.

بن‌الجوزی در چند جای المنتظم درباره عبدالقادر سخن می‌گوید اما مفصل‌ترین مطلبش را در جلد هجدهم در ۹ سطر آورده است. ما بهترین مطالب را درباره عبدالقادرگیلانی و لوکوتاه و مختصر در المنتظم یافتیم. گفته می‌شود بن‌الجوزی درباره عبدالقادر مناقب‌نامه‌ای به نام دررالجواهر نوشته و در همین اثر یعنی المنتظم می‌نویسد که بدان جهت مورد حمله قرار گرفته است؛<sup>۴</sup> لیکن ما چنین مناقب‌نامه‌ای نیافتیم. در منابع نیز از چنین اثری بحث نمی‌شود. این دو منبع حاصل تلاش مؤلفانی است که عبدالقادر را در زمان حیاتش دیده‌اند و از این جهت ویژگی ممتازی دارند.

۱. الذهبي، سير اعلام النبلاء، (تحقيق: شعيب الأرناؤود - محمد نعيم الراكسوسى)، بيروت ۱۹۸۱-۱۹۸۵، ج. ۲۰، ص. ۴۴۱؛ ابن رجب، الذيل على طبقات الحنابلة، بيروت بي تاج، ۱، ص. ۲۹۱؛ ابن العماد، شذرات الذهب في أخبار من ذهب، بيروت ۱۹۷۹، ج. ۳، ص. ۲۰۰.
۲. ابن حجر نام این شرح از سمعانی را ذکر و از آن اقتباس می‌کند (*العصقلاني*، ابن حجر، غبطه الناظر في ترجمة الشيخ عبدالقادر، ۱۹۹۱ دمشق همراه با السفينة القادرية)، ۲۶.
۳. مجلدات اول تا هجدهم، بيروت ۱۹۹۲.
۴. ابن رجب، الذيل على طبقات الحنابلة، ج. ۱، ص. ۲۹۵؛ التادفي، محمدين يحيى، قلائد الجواهرى مناقب الشیخ عبدالقادر، مصر ۱۳۰۳ هـ، ص. ۲۱؛ اولو داغ، سليمان، "عبدالقادرگیلانی" دانشنامه اسلام، سازمان دیانت، استانبول ۱۹۸۸، ج. ۱، ص. ۲۳۶.

ج) معجم البلدان<sup>۱</sup>، شهاب الدین ابو عبد الله یاقوت بن عبد الله الحموی الرومی البغدادی (وفات: ۱۲۲۸/۶۲۶) اثر یاقوت حموی به رغم آن که فرهنگی (قاموس) در جغرافیا است اما درباره اشخاص مرتبط با موضوع مطالب ذی قیمتی ارائه می دهد. معجم البلدان از منابع نخستین است و نام روستایی را که عبدالقدیر گیلانی در آن به دنیا آمد نقل می کند، موضوعی که در بسیاری از منابع سخنی از آن در میان نیست. لذا این اثر از جایگاه بالاهمیتی برخوردار است.

مطالب این اثر درباره عبدالقدیر گیلانی ۱۰ سطر نیم ستونی را شامل می شود.

د) الكامل فی التاریخ<sup>۲</sup>، علی بن محمد بن اثیر (ابن الاثیر) (وفات: ۱۲۳۲/۶۳۰)، مطالب مربوط به اشخاص و رویدادها گاهشمارانه نقل می شود. الكامل توسط س.ج. تورنبرگ منتشر شده است. در جلد یازدهم الكامل، سه سطر حاوی چند جمله مختصر به عبدالقدیر گیلانی اختصاص یافته است.

ه) المستفاد من ذیل تاریخ بغداد<sup>۳</sup>، محب الله ابو عبد الله محمد بن محمودالحسن (ابن النجار) (۱۲۵۶/۶۸۳) مطالب این کتاب توسط الحافظ شهاب الدین احمد بن آبیک الحسامی الدمیاتی (وفات: ۱۳۴۹/۷۴۹) جمع آوری شده و تحقیق آن با تلاش محمد مولود خلف به انجام رسیده است. منابع مربوط به اشخاص توسط محقق در زیرنویس ها آورده شده است. ابن نجار به عنوان نخستین مورخی که بیشترین مطالب را درباره عبدالقدیر گیلانی نوشت، منبع صاحب نظران قرار گرفته است. با آن که مطلب مربوط به عبدالقدیر در مستفاد دو صفحه است اما محققان مطالب بیشتری از ابن نجار نقل می کنند. منبع مطالب آنان باید کتابی سی جلدی به نام الذیل علی تاریخ بغداد<sup>۴</sup> باشد که ما آن را نیافتیم. این کتاب شرحی است بر تاریخ بغداد از خطیب البغدادی (وفات: ۱۰۷۰/۴۶۳) که مؤلف در آن مفصلأً به عبدالقدیر داشته است.

۱. مجلدات اول تا پنجم، بیروت ۱۹۸۶.  
۲. مجلدات اول تا سیزدهم، بیروت ۱۹۷۹.  
۳. یک جلد، بیروت ۱۹۸۶.  
۴. کشف الظنون، ج ۱، ص ۲۸۸.

و / مر اهل‌الزمان فی تاریخ العیان،<sup>۱</sup> شمس الدین ابوالمظفر یوسف بن قیزاو غلو الترکی (سبط، ابن قیم الجوزی) (وفات: ۱۲۵۷/۶۵۴) سبط ابن جوزی، ابتدا مطالبی را از کتاب پدر بزرگش نقل می‌کند. آن‌گاه با عبارت "به من گفته شد" آنچه را شنیده و دریافته بیان می‌دارد. مراه الزمان از آن جهت که شجره‌نامه طریقتی عبدالقادر گیلانی را نیز در دسترس قرار می‌دهد اهمیت بسزایی دارد. در مراه‌الزمان تقریباً دو صفحه ۹ سطری درباره عبدالقادر گیلانی مطلب وجود دارد.

۲) المختصر فی تاریخ البشر،<sup>۲</sup> (تاریخ‌ابی الفدا) عماد الدین ابوالفدا اسماعیل بن علی (وفات: ۱۳۳۱/۷۳۲).

ابوالفدا در جلد سوم کتابش مطلبی ۵ سطری درباره عبدالقادر گیلانی دارد که آن را از ابن‌اثیر اقتباس کرده است.

ح) سیر الاعلام البلاء،<sup>۳</sup> شمس الدین ابوعبد الله محمد بن احمد الذہبی (وفات: ۱۳۴۷/۷۴۸). مؤلف در اثر مهم خود با تقسیم اشخاص به طبقات مختلف، از زمان صحابه شروع می‌کند. مجلدات مختلف این اثر توسط افراد متعددی مورد تحقیق قرار گرفته، و منابع مربوط به اشخاص به صورت گسترده‌ای در زیرنویس‌ها قید شده است. مؤلف در بیست و نهمین طبقه از عبدالقادر گیلانی یاد می‌کند. مطالب مربوط به این طبقه در جلد بیستم است. این بخش توسط شعیب الارناوود و محمد بن عیم الارکوسی تحقیق شده است. ذہبی در این اثر، از سمعانی، ابن جوزی، ابن‌نجار و سبط ابن جوزی نقل قول‌هایی دارد و درباره عبدالقادر گیلانی مطالب نسبتاً مفصلی بیان می‌کند. ۱۲ صفحه از جلد بیستم، حاوی زندگینامه و اندیشه‌های دینی و عرفانی او است.

ط) تاریخ‌الاسلام و وفیات المشاهیر والاعلام<sup>۴</sup>، همان مؤلف. این اثر حجیم ذہبی که در تاریخ اسلام جایگاه مهمی دارد، وقایع سال‌های مشخصی را دربرمی‌گیرد و

۱. مجلدات دوم و هشتم، حیدرآباد ۱۹۵۱.

۲. مجلدات اول و چهارم، استانبول ۱۲۸۶ هـ.

۳. مجلدات اول تا بیست و سوم، بیروت ۱۹۸۱-۱۹۸۵.

۴. بیروت ۱۹۹۶.

درباره اشخاص مطالب ارزشمندی دارد. عمر عبدالسلام تدمیری تحقیق این اثر را بر عهده داشته است.<sup>۱</sup> ۱۴ صفحه از کتاب به عبدالقدارگیلانی اختصاص دارد که مکمل مطالب موجود در سیر الاعلام النباء است.

۱) العبری خرمن غیر<sup>۱</sup>، همان مؤلف. این اثر تاریخی ذهنی که نسبت به کتاب‌های دیگر او مختصرتر به شمار می‌رود توسط ابوهاجرمحمدالسعید بن‌بیرونی ذغالول تحقیق شده است. ده سطر از جلد سوم العبر به عبدالقدارگیلانی اختصاص دارد. یافعی به ذهنی انتقاد می‌کند که در این اثر به شخصیت عبدالقدارگیلانی کم پرداخته و این امر ارزش اثر او را کاهش داده است.<sup>۲</sup> اما به نظر می‌رسد یافعی تاریخ‌الاسلام و سیر الاعلام‌النباء را ندیده یا در پی کم ارزش جلوه دادن آن‌هاست.

ک) تتمه المختصر فی اخبار البشر<sup>۳</sup>، زین الدین عمر ابن الوردي (وفات: ۱۳۴۸/۷۴۹). اثر با نام تاریخ ابن الوردي هم شناخته می‌شود. احمد درفت البدر اوی تحقیق این کتاب را بر عهده داشته است. در زیرنویس‌هایی که توسط محقق به کتاب اضافه شده توضیحاتی درباره متن آورده شده و منابعی برای اشخاص ذکر شده است. کتاب تتمه از آن جهت که بر نسب عبدالقدارگیلانی متمرکز می‌شود ویژگی بارزی دارد. برخی از مناقب او را نیز روایت می‌کند. البته مأخذ این روایات مشخص نیست. ۴ سطر از جلد دوم کتاب به عبدالقدارگیلانی اختصاص دارد.

ل) فواید الوفیات<sup>۴</sup>، محمد بن شاکر بن احمد الکتبی (۱۳۶۳/۷۶۴)، کتبی در این اثر که توسط احسان عباس مورد تحقیق قرار گرفته، چنان که از نامش پیداست، درباره اشخاص غایب در وفایات الاعیان ابن خلکان (وفات: ۱۲۸۲/۶۸۱) توضیحات مختصری می‌دهد. فواید الوفیات درباره عبدالقدارگیلانی یک صفحه مطلب مختصر اما عمیق و مفید دارد.

۱. مجلدات اول تا پنجم، بیروت ۱۹۸۵

۲. یافعی، مرآه الجنان و عبره اليقضان، بیروت ۱۹۷۰، ج ۳، ص ۳۶۶.

۳. مجلدات یک و دو، بیروت ۱۹۷۰.

۴. مجلدات اول تا چهارم، بیروت ۱۹۷۴-۱۹۷۳.

م/ مر اهل الجنان و عبرا یلیقضان فی معرفه ما یعتبر من حوادث الزمان<sup>۱</sup>، عفیف الدین ابو محمد عبد الله بن اسعدهن علی بن سلیمان الیافعی الیمنی المکی (وفات: ۷۶۸/۱۳۶۶). امام یافعی که مؤسس شاخة یافعی قادریه است در جلد سوم این کتاب تاریخی، بیست صفحه را به عبدالقادر اختصاص داده است. مجموع مطالب مذکور در حد مناقب نامه‌ای کوچک است.

ن/ البدایه والنیایه<sup>۲</sup>، ابوالقدیس اسماعیل بن عمر (ابن کثیر) (۷۷۴/۱۳۷۳) مؤلف دراین کتاب با منبع قرار دادن المنتظم مطالب خود را ارائه می‌کند. این کتاب از جهت ذکر آثار عبدالقادرگیلانی دارای اهمیت است. در جلد دوازدهم کتاب، هفت سطر به عبدالقادرگیلانی اختصاص دارد.

س/ الذیل علی طبقات الحنابلة<sup>۳</sup>، زین الدین ابو الفرج عبد الرحمن بن شهاب الدین احمد البغدادی (ابن رجب) (وفات: ۷۹۵/۱۳۹۲). شرح ابن‌الرجب بر طبقات الحنابلة ابوالحسین محمد بن محمد بن ابی یعلی (وفات: ۵۲۶/۱۱۳۱) به همت محمد‌الحامد الفیکی، قاهره ۱۹۵۲، در دو جلد، یکی از آثاری است که مطالب مفصلی درباره عبدالقادرگیلانی دارد. ابن‌رجب همه منابع پیشین را مورد بررسی قرار داده و مطالب ارزشمندی درباره گیلانی ارائه می‌دهد و از مناقب او یاد می‌کند. مطالب او از سمعانی، ابن‌جوزی و ابن‌النجار نقل می‌شود. او بهجهة‌الاسرار را به شدت نقد می‌کند، و در عین حال پیرامون آن‌چه روایت می‌کند گاه نظرات خویش را نیز می‌گوید. ابن‌رجب دوازده صفحه از جلد دوم اثر خود را به عبدالقادرگیلانی اختصاص داده است.

ع/ طبقات الاولیاء<sup>۴</sup>، ابن‌الملقین. این اثر یک جلدی مختص طبقات صوفیه است و اشخاص به ترتیب حروف الفباء معرفی و بررسی شده‌اند. تحقیق این کتاب را نورالدین شریبه بر عهده داشته است. منابع مرتبط با هر شخص توسط محقق در زیرنویس آمده است. ابن‌الملقین در طبقات‌الاولیاء به بیان مطالبی در یک صفحه

۱. مجلدات دوم تا چهارم، بیروت ۱۹۷۰.  
 ۲. چهارده جلد، بیروت ۱۹۸۱.  
 ۳. مجلدات یکم تا چهارم، بیروت، بی‌تا.  
 ۴. بیروت ۱۹۸۶، چاپ دوم، ۶۲۶ صفحه.

اکتفا می‌کند و می‌گوید مناقب‌نامه‌ای درباره عبدالقدار گیلانی خواهد نوشت (دُوه‌الجواهر). اثر ابن‌الملقین که اولین کتاب در طبقات صوفیه است پیرامون عبدالقدار گیلانی مطالبی ممتاز دارد.

ف) النجوم الراهن في ملوك مصر والقاهرة<sup>١</sup> ، جمال الدين ابو المحاسن يوسف ابن تغريبardi  
 (تاذري وردی) (وفات: ١٤٦٩/٨٧٤) این اثر مختصراًترین اثری است که مطالب  
 مربوط به عبدالقدارگیلانی را با ارزش خاصی ارائه می‌دهد. جلد پنجم حاوی ۱۲  
 سطر درباره گیلانی است.

ص / نفحات الانس من حضرات القدس<sup>۲</sup> ، نورالدین عبد الرحمن بن احمد الجامی (وفات: ۸۹۸/۱۴۹۲)، لامعی چلبی (وفات: ۹۳۸/۱۵۳۲) این اثر را به عثمانی ترجمه و شرح کرده است. در مجموع شرح حال ۶۱۶ صوفی، ۵۸۲ مرد و ۳۴ زن در این کتاب آمده است. این نسخه از نفحات با مقدمه‌ای از سلیمان اولوداغ به زبان عثمانی منتشر شده است. در نفحات علاوه بر مناقب عبدالقادر و سلسلة طریقتی او مطالب مختصری نیز در شرح زندگانی اش موجود است. این مطالب دو صفحه و نیم کتاب را دربر می‌گیرد.

لواقع الانوار في طبقات الاخير،<sup>۳</sup> (الطبقات الكبرى) عبد الوهاب بن احمد بن على الانصارى (امام شعرانى) (وفات: ۹۷۳/۱۵۶۵). از آثار مهم در ترجمان احوال صوفیان است، تقریباً شش صفحه از جلد اول را به عبدالقادر گیلانی اختصاص داده و مناقب متعددی درباره اش ذکر می کند. درباره زندگی عبدالقادر نیز مطالب مفید و مختصری در این کتاب موجود است.

د) شذرات الذهب في أخبار من ذهب، أبو الفلاح عبد الحفيظ ابن العماد الحنبلي (وفات: ١٤٧٨/١٠٨٩)، ابن عماد از سمعانی، ابن نجاش، شطفونی، و ابن رجب نقل قول هایی دارد. چهار صفحه از جلد چهارم شذرات مربوط به عبد القادر است.

۱. مجلدات اول تا شانزدهم، قاهره ۱۹۷۲.

۲. استانبول ۱۹۹۳، چاپ دوم، ۷۱۱ صفحه.

۴. مجلدات یک تا هشت، بیروت، ۱۹۷۶.  
۳. دو جلد، مصر بی تا.